



شماره ثبت: ۳۱۸۵

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	تولی من قبل الجائر.....
۲	مبارزه منفی با حکومت جائر.....
۲	فرع هشتم: اجازه ولی فقیه بر تولی من قبل الجائر.....
۳	فرع نهم: ظلم حکومت‌های مشروع.....
۳	مستثنیات تولی من قبل الجائر.....
۳	استثناء اول: تولی لمصالح العباد.....
۴	ادله استثنا.....
۴	اولین استدلال شیخ: تراحم.....
۵	جواب به نظر شیخ (ره).....



تولی من قبل الجائر

مبارزه منفی با حکومت جائر

قبل از اینکه وارد مستثنیات بشویم نکته‌ای را عرض می‌کنیم.

حکمی که در اینجا بررسی شد، در منظومه‌ی مبارزه با حکومت جائر قرار می‌گیرد. وقتی حکومتی جائر بود، دو نوع مبارزه با آن متصور است:

۱. مبارزه مثبت: جهاد، قیام علیه ظلم که ربطی به بحث ما ندارد.

۲. مبارزه منفی: عناوینی همچون معونة الظالمین، اعانه ظلم، اعوان الظلمة و ... عناوین دیگری مثل خضوع لسلطان، الدخول فی سلطانهم، تولی من قبلهم، اقتراب من السلطان (نزدیک شدن به سلطان)، محبت بقائهم، المشی مع الظالم، رضای بقا، رکون الی الظالم از مبارزات منفی در مقابل جائر است. بیش از ده عنوان در اینجا وجود دارد که نهی به آن‌ها تعلق گرفته است. وقتی مجموعه کنار هم قرار بگیرند، نظریه مبارزه منفی شکل می‌گیرد. اگر نگاه نظامی و سیستمی به این منظومه بکنیم، هر نوع رابطه مثبت با حکومت جائر و ظالم، منع شده است. از این‌ها استفاده می‌شود که مبارزه علیه حکومت جائر، ضرورت دارد. مبارزه منفی نسبت به مثبت، دایره وسیع‌تری نسبت به اقدام دارد.

فرع هشتم: اجازه ولی فقیه بر تولی من قبل الجائر

اگر معصوم و ولی فقیه (کسی که حق خلافت دارد) به کسی اجازه حکومت دارد، این اجازه، یا یک حکم حکومتی است که مقدم بر حکم اولی می‌شود. تصویر دوم این است که موضوع تغییر می‌کند، در اینجا رفع موضوع حرمت حکم است. مثلاً اگر کسی وارد خانه‌ی کسی بشود غصب انجام داده است، ولی اگر مالک اجازه ورود دارد، موضوع منتفی می‌شود. یک وقت ولی فقیه یا شخصی که حق خلافت دارد، به کسی می‌گوید به حکومت جائر برو. در اینجا حکم حکومتی را بر حکم الهی مقدم می‌داریم و می‌گوییم جایز است اما تصویر دقیق دیگر این است که این حق ولی فقیه است، وقتی اجازه داد، موضوع منتفی است.

نتیجه می‌گیریم این اجازه‌های حاکم، تقدم حکم حکومتی بر حکم الهی نیست، بلکه اجازه مالکانه است و موضوع را عوض می‌کند. ادله تولی من قبل الجائر، منصرف از اینجا است.



شماره ثبت: ۳۱۸۵

مثلاً حکومت در عراق را ممکن است ولی فقیه بگوید مشکلی ندارد، در نتیجه ورود به آن منعی ندارد. یا اینکه در آنجا بگوییم ولی که صاحب حق است، اذن داده است. وقتی اذن داده باشد، مشروع می شود.

فرع نهم: ظلم حکومت های مشروع

گاهی اصل حکومت ها نامشروع است. اما حکومتی مشروع است ولی مرتکب ظلم می شود. این نیز مشمول همین قاعده است. البته ظلمی که ظاهر باشد، این ظلم باعث اسقاط مشروعیت می شود، در نتیجه این هم مشمول همین قاعده است. حکومت هایی که مشروع است، تا زمانی که مشروع است، شامل این احکام نمی شود. اگر حکومتی مشروع باشد ولی ظلم های کوچکی انجام دهد، داخل شدن در حکومت، مشکلی نیست ولی اعانه در ظلم آن، مشمول قواعد اعانه در ظلم است.

مستثنیات تولی من قبل الجائر

تاکنون در مقام ادله و مستندات صحبت کردیم. مقام دوم، دارای دو قسمت است:

۱. ویژگی ها و خصایص حکم

۲. شقوق و فروعات مسئله

این مقام دوم را نیز مورد بررسی قرار دادیم. در اینجا مستثنیاتی وجود دارد که به عنوان مقام سوم مورد بررسی قرار می دهیم. حکم تولی من قبل الجائر، مستثنیاتی دارد. مرحوم شیخ دو استثنا ذکر کرده است:

۱. تولی لمصالح العباد: تولی مشتمل بر مصلحت عمومی

۲. تولی عن اکراه: تولی اضطراری و اکراهی است.

استثناء اول: تولی لمصالح العباد

بسیاری از علما فرموده اند که اگر تولی من قبل الجائر برای تأمین مصالح و خدمت به مؤمنین انجام بشود، جایز است. همان طور که عرض کرده بودیم، حرمت تولی من قبل الجائر، یک سخت گیری بسیار زیاد با گستره ی فراوانی بود اما این استثناء کاملاً سخت گیری را عوض می کند. این نوع استثناء در احکام بسیار کم نظیر است. این استثناء کسانی را به تردید انداخته است از جمله



شماره ثبت: ۳۱۸۵

صاحب انوارالفقاهه و دیگران را. این استثنا ریشه در آیات و روایات دارد. از طرفی این استثنا آن قدر وسیع است که اصل حکم را مورد تردید قرار داده است.

ادله استثنا

اولین دلیل که مرحوم شیخ (ره) فرموده‌اند، اکثر علما آن را مخدوش دانسته‌اند. اولین دلیل، حکم مسئله با قطع نظر از ادله خاصه بر اساس قاعده و قانون تراحم است. ایشان می‌فرمایند: در اینجا که مصلحت عباد مطرح است ما بر اساس قاعده تراحم (بدون نیاز به دلیل) می‌توانیم بگوییم امر جایز است.

گاهی مصلحت عباد در زمانی است که جان، سلامتی انسان‌ها (علی‌الخصوص مؤمنین) در خطر است. با ورود شخص به دستگاه این سلامت جامعه‌ی مسلمین و مؤمنین تأمین می‌شود. این اعراض نفوس است. مصلحت در اینجا، مصلحت قوی است.

یک شکل از مصلحت نیز مصالح ثانوی است. نفوس و اعراض در خطر نیست. اگر شخص وارد دستگاه بشود، کارهای عمومی آن‌ها راحت‌تر انجام می‌شود.

در سطح اول، الزام است. یعنی اگر کسی جان، عرض، ناموسش در خطر است، الزام داریم که وی را نجات دهیم.

در سطح دوم، الزامی وجود ندارد. این امر استحباب دارد. قضای حوائج مؤمن و دفع مکروه از مؤمن، مستحب است.

اولین استدلال شیخ: تراحم

مرحوم شیخ (ره) در دو سطح، با یک نگاه می‌فرمایند که جای تراحم است. یک دلیل می‌گوید که تولی از قبل جائز حرام است. از طرفی دلیل می‌گوید که کمک به شخص در امور مذکور، واجب یا استحباب دارد. اگر اهم و مهم بکنیم می‌گوییم که کمک، اهم است.

قاعده تراحم می‌گوید که چیزی که قطعاً او ظناً او احتمالاً اهم است باید مقدم بر حکم شمرده شود. اگر متساوی شد، مخیر هستیم.

تعیین اهم و مهم، قاعده‌مند نیست و به شم الفقاهه ارتباط دارد.



شماره ثبت: ۳۱۸۵

جواب به نظر شیخ (ره)

آیت‌الله خویی و امام (ره) مطلبی را عرض کردند. همان‌طور که عرض کردیم مصالح عباد در دو سطح انجام می‌افتد.

سطح اول آنجایی است که نفوس کسانی در خطر است. در اینجا تأمین مصلحت و مصالح عباد نیست بلکه دفع ضرر مطرح است. در اینجا تراحم دفع ضرر را اهم می‌داند. اما در سطح دوم، دفع خطر وجود ندارد، بلکه مصلحت‌هایی را تأمین می‌کند. این قسم جای تراحم نیست زیرا احکام الزامی با غیر الزامی هرگاه تراحم بکند، الزامی مقدم است. در نتیجه می‌گویند اخص از مدعا است.